

www.ketab.ir

در آغوش آتش

یادنام فرامانده گردان تخریب شهید علی رضا عاصمی





مراغوش آتش

نویسنده: مجید جعفر آبادی

ناشر: عماد فردا

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۰

شمارگان: ۲۰۰۰

قیمت: ۲۸۰۰ تومان

کلیه حقوق این اثر برای عماد فردا محفوظ است.

سرشناسه: جعفر آبادی، مجید، گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور: مراغوش آتش / نویسنده مجید جعفر آبادی

مشخصات نشر: تهران: عماد فردا، ۱۳۹۰

مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص: منبوس: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک: ۲۸۰۰۰ ریال: ۱۴-۰۰-۶۳۶-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: قیفا

موضوع: عامی، علی رضا، ۱۳۴۱ - ۱۳۶۵

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- شهیدان

موضوع: شهیدان -- ایران -- سرگذشتنامه

رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ ج۶۷/ع/۱۷۵ DSR ۱۶۲۶

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۲۰۹۲

شماره کتاب شناسی ملی: ۲۵۲۹۳۷۸

ویراستار: عباس زهیری

طراح جلد: مجید زارع

پوزانسی کتاب: ۸۵۵۷۰ - ۰۲۱ ■ دفتر تهران: ۶ - ۸۸۳۱۰۹۳۵ - ۰۲۱

دفتر قلم: ۷۸۳۹۴۰۷ - ۷۸۳۹۴۰۱ - ۰۲۵۱ ■ www.emad.ir

پیش‌گفتار

شهادت معیار فضیلت‌هاست. پایان غربت آدمی و آغاز قربت اوست. پیوند آسمان و زمین است. شهید از تبار دیگری است که ریش‌دانش به آسمان گره خورده و قلبش از معنویت و نور، بارور است.

امروز که غبار جنگ فرو نشسته، رخساره شهیدان این سرزمین، تابناک‌تر از همیشه، نمایان است. شهیدانی که پوسته زمینی را انداختند و چون آسمایی قدیمی، پادر راه‌های آسمان گذاردند. نوشتن درباره علی‌رضا عاصمی، حقی است که سال‌های سال بردوش هم‌نشینان وجود زلالش، سنگینی می‌کرد. علی، در ذهن‌ها و جان‌ها رازوازی معنادار و نهفته‌ای دارد و حضور او پیوسته احساس می‌شود. اگر ما هم از او غفلت کنیم او جبران می‌کند. نخستین راز وجود علی این است که دوستی و لب‌خند او تنها به بودنش محدود نیست. راز دوم او ترکیب سادگی، ذکاوت، رحمت، شجاعت و آزر در اوست. عادت کرده بودیم که افراد را یا ساده ببینیم و یا ترکیبی از هوشمندی و شجاعت یا نجابت و حیا ببینیم. ولی دوستان علی باور دارند که آن عزیز، آن چه خوبان همه دارند، یک‌جا داشت.

راز سوم این که همه اثری را که مأمور بود بر اطرافیان بگذارد، پیراسته از دافعه و یک‌سر بر مدار جاذبه بود. هرگز ضعیفی در او دیده نشد. انسان کامل نبود، ولی تا می‌توانست مهربان و لطیف بود. گلی بود که خار نداشت. دیدن اولش، انسان را پایبند او می‌کرد. بی‌تکلف و شیرین.

راز چهارم، سرشت تعلیمی و تربیتی علی بود که در همه یاران هم به قدر ظرفیتشان دمیده بود. رفتار مؤمنانه، بسیجی و فروتنانه او همواره در انعکاس بود و به تظاهر نیاز نداشت. خصلت‌های خوب در وجودش همیشگی بود. هر کس کنارش، توفیق هم‌نشینی می‌یافت، برای آموختن، تنها به دیدن نیاز داشت و از کشش‌های وجودش و سرچشمه‌های خوبی‌اش بهره‌مند می‌شد. بزرگ بود، تا آن‌جا که امیر نفس خویش گشته بود. مصداق روشن «الاحرُّ یدعُ هذه المأظهِ لِأهلِها» بود. قصه زندگی‌اش صفحاتی دارد که باورناپذیر است و هر چه از روزهای شیرین با او بودن می‌گذرد، آن را بیش‌تر شبیه به افسانه می‌کند.

هر چه بود، گم‌نام بود. او حتی در استان زادگاهش هم، ناشناس بود و تنها او را با نام یک بسیجی شهید می‌شناختند و نه یک سردار شهید. او در زندگی زمینی و آسمانی خود گم‌نامی را می‌پسندید، اما دوستان او چنین نمی‌پسندیدند.

از اواخر آبان‌ماه ۱۳۸۱ مقدمات کتابی درباره او فراهم شد که حاصل آن با نام «نگین تخریب» در استان خراسان عرضه شد. در کنار آن، چندین کنگره با نام و یاد او برگزار شد و در پی پیام رئیس‌جمهور محترم، دکتر احمدی‌نژاد، گام‌های نخستین برای عرض ارادت به آن شهید عزیز برداشته شد.

این کم‌ترین، فقط نقش گردآوری خاطره‌های او و هم‌زمانش را بر عهده داشته‌ام و با علم به ضعف بسیار خود در گردآوری یک اثر مطلوب و جذاب، به عشق و علاقه‌ام به فرمانده عزیز و فراموش‌نشده خودم که به‌درستی یاد او همواره با من و دوستان است و با تکیه بر عظمت روحی آن بنده صالح، حال پس از سال‌ها در صدد تکمیل آن کتاب برآمده‌ام. که در این راه، به عنایت روح بلند آن شهید و دعای خیر والدین مکرم او که فرزند دیگری را هم تقدیم درگاه الهی کرده‌اند، دل خوش کرده‌ام.

تذکر دو نکته را ضروری می‌دانم. نخست این کتاب را برای ذکر نام بلند و نیک نیروها و شاگردان شهید این فرمانده عزیز بهانه کرده‌ام که به فراخور موضوع از آن‌ها یاد شده و دیگر

این که ثبت وقایع دفاع مقدس بدون جرح و تعدیل، عظمت این واقعه را بیش تر می نمایاند و رعایت آن در دست نوشته ها یا سخنان شهدا بیش تر ضرورت دارد. آنچه در این کتاب از این شهید نقل شده با رعایت این اصل است. از این رو ذکر برخی نکته ها درباره نیروهای ارتش نباید سائبه ای بیافریند. بدیهی است که سخن راندن درباره ارتش بازمانده از رژیم پهلوی و زیر نظر بنی صدر منفور و از قلم نوجوانی که در آن ایام هجده سال بیش تر نداشته، تنها با هدف بیان حوادث تاریخی و نه اشکال گرفتن به شجره طایفه ارتش جمهوری اسلامی است.

مجید جعفرآبادی

مشهد - ۱۳۹۰